

چالش آب و خاک؛ تهدیدی برای امنیت غذایی ایران

کمبود منابع آبی و تغییر اقلیم باعث کاهش چشمگیر تولیدات کشاورزی در کشور شده و با افزایش ناترازی در تولید و مصرف مواد غذایی، به‌ویژه در محصولاتی مانند برنج و گندم، امنیت غذایی کشور را تحت فشار قرار داده است

فراوانی ایجاد کرده که به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم منجر شده است.» او بر لزوم توجه به سیاست‌گذاری‌های مؤثر در بخش کشاورزی تأکید کرد و توضیح داد: «در شرایط کنونی، دولت‌ها باید سیاست‌هایی را در نظر بگیرند که هم به بهره‌وری بخش کشاورزی کمک کند و هم شرایط دسترسی به غذای سالم و ارزان را برای مردم فراهم آورند. این امر در نهایت به حفظ امنیت غذایی کشور کمک می‌کند.» به گفته کرباسی، برای دستیابی به امنیت غذایی پایدار در ایران، توجه به سه عامل اساسی «مدیریت منابع آبی»، «ارتقای بهره‌وری کشاورزی» و «بهبود قدرت خرید مردم» امری ضروری است که نیازمند همکاری جدی دولت، کشاورزان و مردم است.

ارتقای فناوری کشاورزی

استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی به ضرورت ارتقای فناوری و دانش کشاورزی برای افزایش بهره‌وری و امنیت غذایی در ایران تأکید کرد. او گفت: «سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، به‌ویژه در زمینه ارتقای فناوری و آموزش نیروی انسانی از اولویت‌های ضروری است. نیروی انسانی متخصص و کارآزموده می‌تواند بهره‌وری تولیدات کشاورزی را افزایش دهد و در نهایت به بهبود امنیت غذایی کشور کمک کند.» کرباسی به تأثیر نوسانات ارزی بر بخش کشاورزی اشاره کرد و افزود: «نوسانات نرخ ارز یکی از چالش‌های بزرگ استفاده از نهاده‌های کشاورزی است. افزایش قیمت دلار تأثیرات تئوری بر قیمت نهاده‌های دامی، از جمله قیمت گوشت و لبنیات، داشته که فشار زیادی بر خانوارها وارد کرده است.» این موضوع به وضوح نشان می‌دهد که تغییرات ارزی می‌تواند بر قدرت خرید مردم تأثیر بگذارد و دستیابی به غذای سالم و کافی را دشوار کند. او همچنین به اهمیت حکمرانی و مدیریت سیاسی در امنیت غذایی کشور اشاره کرد و گفت: «سیاست‌های دولتی و قوانین تجاری در زمینه صادرات و واردات محصولات کشاورزی و غذای نقش‌ی کلیدی در تأمین امنیت غذایی دارند. از آنجا که ایران با تحریم‌های بین‌المللی مواجه است، نیازمند راهکارهایی برای تقویت امنیت غذایی داخلی و کاهش وابستگی به واردات است.» کرباسی تأکید کرد که در شرایط کنونی، دولت‌ها باید سیاست‌هایی مبتنی بر مدیریت ذخایر استراتژیک غذایی و کشاورزی اتخاذ کنند تا بتوانند نیازهای اساسی جامعه را به‌طور پایدار تأمین کنند.

دسترسی به مواد غذایی کافی و سالم نیز از دیگر مباحثی بود که کرباسی به آن اشاره کرد. او گفت: «دسترسی فیزیکی به غذا از ضروریات تأمین امنیت غذایی است. این موضوع شامل وجود غذای کافی در فروشگاه‌ها و شبکه‌های توزیع مناسب در اقصى نقاط کشور است. علاوه بر این، وجود شبکه حمل‌ونقل و بازاربای مؤثر نیز به افزایش دسترسی به مواد غذایی کمک می‌کند.»

کرباسی در نهایت خاطرنشان کرد که امنیت غذایی کشور با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. او افزود: «تضمین امنیت غذایی نه تنها به بهبود سیاست‌های داخلی بستگی دارد، بلکه به امنیت ملی و اقتصادی کشور نیز مرتبط است. برای دستیابی به امنیت غذایی پایدار، نیاز به همکاری فرابخشی و عزم ملی است که باید در تمامی سطوح اجرایی کشور مورد توجه قرار گیرد.» این سخنان به‌وضوح نشان‌دهنده اهمیت توجه به تمامی جوانب تولید و توزیع مواد غذایی در راستای حفظ امنیت غذایی کشور است.

بی‌اعتنایی به محصولات کم‌آب‌بر

در سال‌های اخیر، ایران برنامه‌هایی برای بهبود امنیت غذایی از طریق توسعه کشاورزی پایدار و بهینه‌سازی مصرف آب اجرا کرده، اما پراکندگی در سیاست‌ها و فقدان انسجام لازم موجب ناکامی نسبی در این بخش شده است. کارشناسان سال‌هاست بر استفاده از روش‌های نوین کشاورزی و کشت محصولات مقاوم به کم‌آبی، مانند زعفران و گیاهان دارویی تأکید دارند. با این حال، بسیاری از کشاورزان به بحران کم‌آبی بی‌توجه هستند.

سرشماری عمومی کشاورزی نشان می‌دهد در حالی که منابع آبی کشور در حال کاهش است، سطح زیرکشت محصولات زراعی و باغی به‌طور میانگین ۵.۵ درصد افزایش یافته است. جالب اینکه سطح زیرکشت محصولات آب‌بر مانند برنج در همین مدت ۲۸ درصد رشد داشته است. این امر نشان‌دهنده عدم توجه کافی به بهره‌وری آب و مدیریت منابع آبی است.



پرداخت. او با اشاره به وضعیت سطح زیرکشت محصولات کشاورزی در کشور، بیان کرد: «سطح زیر کشت محصولات کشاورزی در ایران حدود ۱۸ میلیون هکتار است که ۱۲ میلیون هکتار آن فعال است. از این مقدار، ۵۰ درصد تولیدات آبی و ۵۰ درصد دیم است.»

کرباسی خاطرنشان کرد که برای ارتقای امنیت غذایی کشور، باید ذخایر منابع آبی و خاکی افزایش یابد و بهینه‌سازی بهره‌وری در این حوزه‌ها صورت گیرد. او در ادامه بر اهمیت ارتقای فناوری و دانش کشاورزی تأکید کرد و گفت: «استفاده از فناوری‌های نوین در کشاورزی می‌تواند عملکرد تولید به ازای هر واحد آب و خاک را افزایش دهد. این امر نه تنها بهره‌وری را بالا می‌برد، بلکه به بهبود امنیت غذایی کشور کمک شایانی می‌کند.» کرباسی با اشاره به ضرورت استفاده از نهاده‌های کشاورزی با کیفیت، افزود: «نهاده‌هایی مانند بذر، سم و کود نقش بسیار مهمی در بهبود عملکرد کشاورزی دارند. توجه به قیمت و کیفیت این نهاده‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش تولیدات کشاورزی و در نتیجه، امنیت غذایی داشته باشد.» استاد دانشگاه فردوسی مشهد همچنین به ابعاد اقتصادی امنیت غذایی اشاره کرد و گفت: «یکی از عوامل مهم در این زمینه، قدرت خرید مردم است. مردم باید قادر باشند غذای کافی و با کیفیت را به راحتی تهیه کنند. این مسئله به تورم مواد غذایی و تورم عمومی اقتصاد نیز بستگی دارد.»

کرباسی افزود: «درآمد افراد جامعه و میزان اختصاص درصدی از آن به خرید مواد غذایی یکی دیگر از مسائل کلیدی است. اگر ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمد افراد به خرید مواد غذایی اختصاص یابد، این وضعیت نسبتاً مطلوب خواهد بود.» او در ادامه از دولت‌ها خواست تا قیمت مواد غذایی را کنترل کرده و شرایطی فراهم آورند که مواد غذایی با قیمت مناسب در دسترس مصرف‌کنندگان قرار گیرد. به گفته کرباسی، «اگر دولت‌ها بتوانند غذای ارزان تولید کنند و آن را به دست مصرف‌کنندگان برسانند، دسترسی اقتصادی مردم به غذای سالم و کافی افزایش خواهد یافت.»

کرباسی همچنین به تأثیر نوسانات ارزی بر قیمت نهاده‌های کشاورزی اشاره کرد و گفت: «نوسانات نرخ ارز در سال‌های اخیر تأثیر زیادی بر قیمت نهاده‌های وارداتی گذاشته است. این مسئله، به‌ویژه در بخش نهاده‌های دامی و کشاورزی مشکلات

آن مواجهه است، تأثیرات منفی عمیقی بر امنیت غذایی کشور گذاشته است. این تحریم‌ها، به‌ویژه با فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، تأمین نهاده‌های کشاورزی و واردات مواد غذایی ضروری را با مشکل روبه‌رو کرده و موجب کاهش واردات محصولات کشاورزی می‌شود. این امر نه تنها تأمین غذای کافی را برای مردم دشوارتر می‌کند، بلکه به بحران‌هایی همچون کمبود برخی از کالاهای اساسی نیز دامن می‌زند.

از سوی دیگر، یکی از چالش‌های بزرگ امنیت غذایی در ایران عدم آگاهی مردم از تغذیه سالم و اهمیت دسترسی به غذاهای مغذی است. در حالی که بسیاری از افراد به دلیل مشکلات اقتصادی قادر به تهیه غذاهای سالم و متنوع نیستند، افزایش قیمت نان، که یکی از اصلی‌ترین مواد غذایی کشور است، فشار مضاعفی بر خانواده‌های کم‌درآمد وارد کرده است.

خشکسالی‌های متوالی در سال‌های اخیر و کاهش منابع آبی نیز به کاهش تولید محصولات کشاورزی در بسیاری از استان‌های ایران منجر شده است. این بحران منابع آبی، در کنار مشکلات مدیریتی و ضعف در سیاست‌گذاری‌های کشاورزی، موجب شده که امنیت غذایی کشور تهدید شود.

با این حال، ایران در زمینه خودکفایی در تولید مواد غذایی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد خودکفاست که رقم قابل توجهی به نظر می‌رسد. اما برای افزایش امنیت غذایی و جلوگیری از تهدیدات آینده، ایران باید بر روی دو عامل اساسی تمرکز کند: اول، منابع پایه همچون آب و خاک. کمبود آب و نوسانات آن، به‌ویژه در بخش کشاورزی، تهدیدی جدی برای تولیدات کشاورزی است. دوم، علاوه بر این، عواملی مانند تورم بالا، نوسانات قیمت‌ها و فقر گسترده، دسترسی به مواد غذایی را برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار کرده است. همچنین تغییر اقلیم و کمبود منابع آبی، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران، موجب کاهش تولیدات کشاورزی شده که به کمبود و افزایش قیمت مواد غذایی منجر می‌شود. این بحران، به‌ویژه در صورتی که سیاست‌های دولتی ناکارآمد باشد، تهدیدی اساسی برای تأمین امنیت غذایی کشور به شمار می‌رود.

راهکارهای افزایش امنیت غذایی

علیرضا کرباسی، استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، در گفت‌وگو با آتیه‌نو به بررسی الزامات امنیت غذایی و راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های موجود در بخش کشاورزی ایران

امنیت غذایی، به‌عنوان زیربنای توسعه پایدار، نه تنها به فراهم‌آوری مواد غذایی کافی و مغذی وابسته است، بلکه به دسترسی همگان به آن در هر زمان و مکان نیاز دارد. این مفهوم که از سوی نشست جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ مطرح شد، پایه‌گذار چهار رکن حیاتی است: موجود بودن، دسترسی، بهره‌مندی و ثبات در دریافت غذا. در این راستا، سازمان بهداشت جهانی بر اهمیت تأمین این ارکان در ایجاد امنیت غذایی تأکید دارد، در حالی که سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) ثبات را به‌عنوان رکن چهارم به آن افزود. با این حال، اگرچه اراضی کشاورزی مرغوب و منابع آبی، سرمایه‌های حیاتی برای هر کشوری محسوب می‌شوند، در ایران عواملی چون تغییر اقلیم، بحران کم‌آبی، نوسانات اقتصادی و ضعف‌های مدیریتی به تهدیداتی جدی برای امنیت غذایی تبدیل شده‌اند که نیازمند توجه و اقدام فوری است. در این گزارش به مسئله‌های کلیدی امنیت غذایی در ایران و راهکارهای برون‌رفت از این بحران پرداخته خواهد شد.

اراضی کشاورزی و کمبود منابع آبی

از ۱۶۵ میلیون هکتار مساحت ایران، تنها ۱۰ تا ۱۲ درصد زمین مرغوب و قابل کشت است که کاداستر آن نیز انجام شده و حدود ۱۸.۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی در کشور وجود دارد. این اراضی باید برای تأمین نیازهای غذایی نسل حاضر و آینده اختصاص یابد. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که اراضی کشاورزی به سرعت در حال تغییر کاربری و زمین‌خواری هستند که تهدیدی جدی برای امنیت غذایی، به‌ویژه در زمینه ناترازی نان و برنج ایجاد می‌کند. علاوه بر این، عواملی مانند تورم بالا، نوسانات قیمت‌ها و فقر گسترده، دسترسی به مواد غذایی را برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار کرده است. همچنین تغییر اقلیم و کمبود منابع آبی، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران، موجب کاهش تولیدات کشاورزی شده که به کمبود و افزایش قیمت مواد غذایی منجر می‌شود. این بحران، به‌ویژه در صورتی که سیاست‌های دولتی ناکارآمد باشد، تهدیدی اساسی برای تأمین امنیت غذایی کشور به شمار می‌رود.

تحریم‌ها و بحران امنیت غذایی

تحریم‌های بین‌المللی که ایران سال‌هاست با

مجید انتظاری

روزنامه نگار

کتبته
P 0 1 N 1



ناصر شاهنوشی

عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی مشهد

مصرف ۹۰ درصدی آب در کشاورزی

در سال‌های اخیر، بحران آب به یکی از موضوعات اصلی در سیاست‌گذاری‌های ایران تبدیل شده است. یکی از اشتباهات رایج که تا مدت‌ها در مورد مصرف آب در بخش کشاورزی بیان می‌شد، این بود که بیش از ۹۰ درصد آب کشور در این بخش مصرف می‌شود. اکنون این عدد به ۸۲ تا ۸۵ درصد اصلاح شده، اما هنوز این تصور غلط در برخی محافل رایج است. این روایت، هرچند در ظاهر با واقعیت تناقض دارد، اما با هدف فرافکنی و پوشاندن ضعف‌های مدیریت منابع آبی مطرح می‌شود. در حقیقت، بخش کشاورزی نه تنها عامل بحران آب نیست، بلکه قربانی آن است.

گرچه به‌نظر می‌رسد بخش کشاورزی بیشترین فشار را بر منابع آب وارد می‌کند، اما واقعیت این است که مصرف آب در این بخش در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر در سطح متوسط یا حتی پایین‌تر است. طبق آمار جهانی، حدود ۷۰ درصد از آب در دنیا در کشاورزی مصرف می‌شود و در مناطق با عرض جغرافیایی مشابه ایران، این عدد به ۸۰ درصد می‌رسد. در ایران، در سال‌های نرمال و طبیعی، حدود ۷۰ تا ۷۲ درصد از منابع آبی در کشاورزی مصرف می‌شود. با این حال، در سال‌های اخیر، به‌ویژه با تشدید خشکسالی، مصرف آب در این بخش کاهش یافته و به حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد رسیده است.

با این وجود، مسئله اصلی در بخش کشاورزی، بهره‌وری آب است. برای افزایش بهره‌وری، باید در زیرساخت‌های کشاورزی سرمایه‌گذاری کنیم.

این سرمایه‌گذاری نه تنها در زمینه آبیاری، بلکه باید در ابتدای فرایند تولید، یعنی در زمینه بذر، انجام شود. با توجه به چالش‌های تغییرات اقلیمی و کمبود منابع آبی، تمرکز بر بذره‌ای مقاوم در برابر خشکی و شوری می‌تواند راهگشا باشد. این بذرها می‌توانند عملکرد محصولات را بهبود بخشند؛ بدون آنکه نیاز به مصرف بیشتر آب داشته باشند.

به‌عنوان مثال، در حال حاضر، کشاورزان ایرانی به‌طور متوسط در هر هکتار ۴ تن گندم برداشت می‌کنند، در حالی که برخی از کشاورزان در شرایط مشابه توانسته‌اند تا ۸ یا حتی ۱۱ تن گندم برداشت کنند. این نشان می‌دهد که بدون افزایش مصرف آب، می‌توان عملکرد محصولات کشاورزی را افزایش داد. علاوه بر این، باید از خرد شدن اراضی کشاورزی و تغییر کاربری آن‌ها جلوگیری کرد، زیرا زمین‌های کشاورزی با خاک مناسب، بهره‌وری بالاتری دارند و مصرف آب کمتری را می‌طلبند.

تمرکز بر کشت محصولاتی که نیاز کمتری به آب دارند، مانند گندم، جو و نخود می‌تواند به کاهش مصرف آب کمک کند. در مقابل، محصولات آب‌بر مانند ذرت و سویا باید وارد شوند. با افزایش عملکرد گندم، بدون افزایش سطح کشت، مصرف آب کاهش می‌یابد و بهره‌وری بهبود می‌یابد.

برای افزایش بهره‌وری آب در کشاورزی، تغییر در مدیریت منابع و اتخاذ رویکردی جامع و دقیق از اهمیت بیشتری برخوردار است تا تولید بیشتر و فشار کمتر بر منابع آبی حاصل شود.